

دعای کمیل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ

خدایا من از تو می خواهم بحق آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته و به آن نیرویت که همه چیز را بوسیله آن مقهور خویش کردی

وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَدَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَجَبَرْتُكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا

و همه چیز در برابر آن خاضع و همه در پیش آن خوار است و به جبروت تو که بوسیله آن چیره گشتی

كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ

بر هر چیز و به عزتت که چیزی در برابرش نه ایستد و به آن عظمت و بزرگیت که پرکرده هر

شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ

چیز را و به آن سلطنت و پادشاهیت که بر هر چیز برتری گرفته و به ذات پاکت که پس از نابودی

كُلَّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ

هر چیز باقی است و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پرکرده و به آن علم و دانشت که احاطه یافته

بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا

به هر چیز و به نور ذاتت که روشن شد در پرتوش هر چیز ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب ای

أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ

آغاز موجودات اولین و ای پایان آخرین خدایا بیا مرز برایم آن گناهایی را که پرده ها را

الْعِصْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

بدرد خدایا بیا مرز برایم آن گناهایی را که عقاب و کیفرها را فرو ریزد خدایا بیا مرز برایم آن

الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ

گناهایی را که نعمت ها را تغییر دهد خدایا بیا مرز برایم آن گناهایی را که از اجابت)

الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي

دعا جلوگیری کند خدایا بیا مرز برایم آن گناهایی را که بلا نازل کند خدایا بیا مرز برایم

كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

هر گناهی که کرده ام و هر خطایی که از من سر زده خدایا من به سوی تو تقرب جویم

بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ

بوسیله ذکر تو و شفیع آورم بدرگاهت خودت را و به جود و کرمت از تو می خواهم که مرا به مقام

قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهَمَنِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

قرب خویش نزدیک سازی و شکر و سپاسگذاری را بر من روزی کنی و ذکر خود را به من الهام کنی خدایا از تو

سُوِّ الْخَاضِعِ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي

درخواست می کنم درخواست شخص فروتن خوار ترسان که بر من آسان گیری و به من رحم کنی و مرا به آنچه

يَقْسِمُكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

برایم قسمت کرده ای راضی و قانع سازی و در تمام حالات فروتنم کنی خدایا از تو درخواست کنم

سُوِّ الْ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ

درخواست کسی که سخت فقیر و بی چیز شده و خواسته اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و امیدش بدانچه

فِي مَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ

نزد تو است بسیار بزرگ است خدایا سلطنت و پادشاهیت بس بزرگ و مقامت بسی بلند است

مَكْرُوكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ

مکر و تدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت آشکار است قهرت غالب و قدرت و نیرویت نافذ است و گریز از

مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا

تحت حکومت تو ممکن نیست خدایا نیابم برای گناهانم آمرزنده ای و نه برای کارهای زشتم پرده پوشی و نه

لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

کسی را که عمل زشت مرا به کار نیک تبدیل کند جز تو، نیست معبودی جز تو

سُبْحَانَكَ وَيَحْمَدُكَ طَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ يَجْهَلِي وَسَكَنْتُ إِلَى

منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خویشتن ستم کردم و در اثر نادانیم دلیری کردم و به اینکه همیشه از

قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنَّكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ

قدیم به یاد من بوده ویر من لطف و بخشش داشتی آسوده خاطر نشستم ای خدا ای مولای من چه بسیار زشتیها که از من پوشاندی و

مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلَّتُهُ وَكَمْ مِنْ عَيْثٍ ارْتَوَيْتُهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ

چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها که از آن نگهم داشتی و چه بسیار ناراحتیها

دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَاءِي

که از من دور کردی و چه بسیار مدح و ثناء خوبی که من شایسته اش نبودم و تو آن را منتشر ساختی خدایا بلاي من

وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَفَصَّرْتُ بِي أَعْمَالِي وَوَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي

بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم نارسا است و زنجیرهای علایق مرا خانه نشین

وَحَبَسَنِي عَنْ تَفْعَى بُعْدُ أَمَلِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا يَغُرُّرَهَا وَتَفْسِي

و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته و دنیا با ظواهر فریبنده اش مرا گول زد و نفسم

يَجْنَابِيهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْتَلْكَ يَعِزَّتْكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ

بوسیله جنابیتش و به مسامحه گذراندم ای آقای من پس از تو می خواهم به عزتت که بدی رفتار و کردار من

دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي يَخْفِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ

دعایم را از اجابتت جلوگیری نکند و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی من

سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ

اطلاع داری و شتاب نکنی در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت

فِعْلِي وَإِسَاءَاتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

انجام دادم و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و زیادی شهوت رانی و بی خبریم

وَ كُنِ اللَّهُمَّ يَعِزَّتْكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ

و خدایا به عزتت سوگند که در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام

الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي

امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و ای پروردگار من جز تو که را دارم که رفع گرفتاری

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ

و توجه در کارم را از او درخواست کنم ای خدای من و ای مولای من تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در اجرای آن پیروی

هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَسِرْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّتْنِي يَمَا أَهْوَى

هوای نفسم را کردم و از فریبکاری دشمنم در این باره نهراسیدم پس او هم طبق دلخواه خویش

وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ يَمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ

گولم زد و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد و در اثر همین ماجرای شومی که بر سرم آمد نسبت به پاره ای

حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

از حدود و احکامات تجاوز کردم و در برخی از دستوراتت راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه پیش آمده تو را ستایش

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ

می کنم و اکنون از حکمی که درباره کیفر من جاری گشته و قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته

وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي

حجت و برهانی ندارم و اینک ای معبود من در حالی به درگاهت آمده ام که درباره ات کوتاهی کرده و بر خود زیاده روی

مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا

نموده و عذرخواه و پشیمان و دل شکسته و پوزش جو و آمرزش طلب و بازگشت کنان و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف

أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ

دارم و راه گریزی از آنچه از من سر زده نیابم و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز اینکه

عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ قَاقِبَلْ عُذْرِي

تو عذر من بپذیر و مرا در فراخنای رحمت درآوری پس ای خدای من عذر من بپذیر

وَأَرْحَمَ شَيْدَةً ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ أَرْحَمَ ضَعْفَ

و بر سخت پریشانیم رحم کن و از بند سخت گناهانم رهاییم ده ای پروردگار من بر ناتوانی

بَدَنِي وَرَفَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبِّيتِي

بدنم و نازکی پوستم و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من و پرورشم

وَبِرِّي وَتَعْذِيبِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي يَا إِلَهِي

و به احسان و خوراک دادنم اکنون به همان بزرگواری و کرم نخستت و سابقه احسانی که به من داشتی مرا ببخش ای

وَسَيِّدِي وَرَبِّي أَنْتَ أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي يَنَارَكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى

معبود من و ای آقای من و ای پروردگارم آیا تو به راستی چنانی که مرا به آتش عذاب کنی پس از اینکه

عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَأَعْتَقَدَهُ

به یگانگی اقرار دارم و دلم به نور معرفت آباد گشته و زبانم به ذکر تو گویا شده

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرَبُّوبِيَّتِكَ

و نهادم به دوستی تو پیوند شده و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه ام به مقام بنده پروری و ربوبیتت ؟

هِيَاهُ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ

بسیار دور است ! تو بزرگوارتر از آنی که از نظر دور داری کسی را که خود پروریده ای یا دور گردانی کسی را

تُشْرِدَ مَنْ أَوْيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَلَيْتَ

که خود نزدیکش کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که خود سرپرستی کرده و به لطف پروریده ای و کاش

شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ اتَّسَلَّطَ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهِ خَرْتِ

می دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می کنی آتش دوزخ را بر چهره هایی که در برابر

لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَيَشْكُرُكَ

عظمتت به سجده افتاده و بر زبانهایی که صادقانه به یگانگی گویا شده و سپاسگزارانه به شکر تو باز

مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَقَتْ يَا لِهَيْبَتِكَ مُحَقَّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوْتٍ

شده و بر دل‌هایی که از روی یقین به خدائیت اعتراف کرده اند و بر نهادهایی که

مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتٌ إِلَى أَوْطَانِ

علم و معرفت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابرت خاشع گشته و بر اعضاء و جوارحی که مشتاقانه به پرستشگاهایت

تَعْبُدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتُ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا

شتافته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند چنین گمانی به تو نیست و

أَخِيرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ

از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای کریم ای پروردگار من و تو ناتوانی مرا در مقابل اندکی

مِنُ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبِ إِتِهِ ا وَمَا يَجْرِي فِيهِ ا مِنَ الْمَكِّ اِرِهِ عَلَى أَهْلِهِ ا

از بلای دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولاً بر اهل آن می رسد می دانی در صورتی که

عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بَقِي أَنَّهُ قَصِيرٌ مَدَّتُهُ

این بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش اندک و مدتش کوتاه است

فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الأُخْرَةِ وَجَلِيلٌ وَفُوعُ الْمَكِّ اِرِهِ فِيهِ ا وَهُوَ بَلَاءٌ

پس چگونه تاب تحمل بلای آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در آنجا دارم در صورتی که آن بلا

تَطُولُ مَدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلاَّ

مدتش طولانی و دوامش همیشگی است و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از

عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ

خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم چیزی است که آسمانها

وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ

و زمین تاب تحمل آن را ندارند ای آقای من تا چه رسد به من بنده ناتوان خوار

الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

ناچیز مستمند بیچاره ! ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا

لَايَ الأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلَمَّا مِنْهَا أَضِحُّ وَأَبْكِي لِإِلِيمِ الْعَذَابِ

برای کدامیک از گرفتاری‌هایم به تو شکایت کنم و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم؟ آیا برای عذاب دردناک

وَشِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمَدَّتِهِ فَلَيْنُ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبِ اِتِ مَعَ

و سخت یا برای بلای طولانی و مدید پس اگر بنا شود مرا بخاطر کیفرهایم در زمره

أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

دشمنانت اندازی و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یکجا گردآوری و میان من و

أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي

دوستانت جدایی اندازی گیرم که ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم من بر عذاب تو

صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصِيرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى

صبر کنم اما چگونه بر دوری از تو طاقت آورم و گیرم که ای معبود من

حَرَّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصِيرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي

حرارت آتشت را تحمل کنم اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم یا چگونه در میان

النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ فَيَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَفْسِيمٌ صَادِقًا لَيْنٌ

آتش بمانم با اینکه امید عفو تو را دارم پس به عزتت سوگند ای آقا و مولا من براستی سوگند می خورم که اگر

تَرَكَتَنِي نَاطِقًا لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا صَاحِبَ الْأَمَلِينَ وَالْأَصْرُخَانَ

زیانم را در آنجا بازگذاری حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم شیون اشخاص آرزومند

إِلَيْكَ صِرَاحَ الْمَسْتَصْرِخِينَ وَالْبُكَيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و مسلماً چون فریادرس خواهان به درگاهت فریاد برآرم و قطعاً مانند عزیز گمگشتگان

وَلَأُنَادِيَنَّكَ آيُنَ كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ يَا

بر دوری تو گریه و زاری کنم و با صدای بلند تو را می خوانم و می گویم کجایی ای یار و نگهدار مؤمنان ای منتهای آرمان عارفان ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

فریادرس درماندگان ای محبوب دل راستگویان و ای حیران کننده عالمیان

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَيَحْمَدُكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

آیا براستی چنان می بینی ای منزّه و معبودم که به ستایشت مشغولم که بشنوی در آن آتش صدای بنده مسلمانی

سُجِنَ فِيهَا يُمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا يَمَعَصِيَّتِهِ وَحَيْسَ بَيْنَ

را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه عذاب آتش را به خاطر نافرمانیش چشیده و در میان

أَطْبَاقِهَا يَجْرِمُهُ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيحَ مُؤْمَلٍ لِرَحْمَتِكَ

طبقات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شده و در آن حال به درگاهت شیون کند شیون شخصی که آرزومند رحمت

وَيُنَادِيكَ يَلِسَانَ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ

تو است و به زبان یگانه پرستان تو را فریاد زند و به بنده پروریت متوسل گردد ای مولای من

فَكَيْفَ يَبْفَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ أَمْ كَيْفَ

پس چگونه در عذاب بماند با اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امید دارد یا چگونه

تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبِهَا

آتش او را بیازارد با اینکه آرزوی فضل و رحمت تو را دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند

وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

با اینکه تو صدایش را بشنوی و جایش را ببینی یا چگونه شراره های آتش او را دربرگیرد

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ

با اینکه تو ناتوانیش دانی یا چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با اینکه تو صدق و راستگویش را دانی یا

كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيتُهَا وَهُوَ يَنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

چگونه موکلان دوزخ او را با تندی برانند با اینکه تو را به پروردگاری بخواند یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در

عِنْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ

آزادی خویش داشته باشد ولی تو او را به حال خود واگذاری چه بسیار از تو دور است و چنین گمانی به تو نیست و

فَضْلِكَ وَلَا مُشِيهٗ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ

فضل تو اینسان معروف نیست و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد با آن نیکی و احسانت

فَيَأْتِيَقِينَ أَفْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاوِدِكَ وَقَضَيْتَ

که نسبت بدانها داری و من بطور قطع می دانم که اگر فرمان تو در معذب ساختن منکرانت صادر نشده بود و حکم

بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَ

تو به همیشه ماندن در عذاب برای دشمنانت در کار نبود حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می کردی و

لِإِحْدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مَقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَفَسَمَّتْ أَنْ

هیچکس در آن منزل و مأوا نداشت ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است سوگند یاد کرده ای که دوزخ

تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

را از کافران از پریان و آدمیان پرکنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی و تو که

الْمُعَايِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ شَأْنُكَ قُلْتَ مَبْتَدِئًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا

حمد ثنایت برجسته است در ابتداء بدون سابقه فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی

أَقَمْنُ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِيقًا لَا يَسْتَوُونَ إِلَهِي وَسَيِّدِي

(که فرمودی) ((آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است ؟ نه یکسان نیستند)) ای معبود من و ای آقای

فَأَسْأَلُكَ يَا الْقُدْرَةَ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَيَا الْقَضِيَّةَ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا

من بحق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که مسلمش کردی و صادر فرمودی

وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتْهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ

و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی از تو می خواهم که بیخشی بر من در این شب و در این

السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ وَكُلِّ

ساعت هر جرمی را که مرتکب شده ام و هر گناهی را که از من سرزده و هر کار زشتی را که پنهان کرده ام و هر

جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ

نادانی که کردم چه کتمان کردم و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان و هر کار بدی را که به نویسندگان

يَأْتِبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ يَحْفَظُ مَا يَكُونُ مِنِّي

گرامیت دستور یادداشت کردنش را دادی همان نویسندگانی که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی و آنها را

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ

به ضمیمه اعضاء و جوارحم گواه بر من کردی و اضافه بر آنها خودت نیز مراقب من بودی و

وَرَأَيْهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ وَبِفَضْلِكَ

گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان می ماند و البته به واسطه رحمت بود که آنها را پنهان داشتی و از روی فضل خود

سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَطِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ أَوْ يَرِّ

پوشاندی و نیز خواهم که بهره ام را وافر و سرشار گردانی از هر خیری که فرو ریزی یا احسانی که بفرمائی یا نیکیهایی که

نَشَرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَايَ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بخش کنی یا رزقی که بگسترانی یا گناهی که بیامیزی یا خطایی که ببوشانی پروردگارا پروردگارا

يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي يَا مَنْ يَبْدِي

پروردگارا ای معبود من ای آقا و مولایم و ای مالک من ای کسی که اختیارم بدست

نَاصِيَّتِي يَا عَلِيمًا يَضُرِّي وَمَسْكَنَتِي يَا خَبِيرًا يَفْقَرِي وَوَفَاقَتِي

او است ای دانای بر پریشانی و بی نوائیم ای آگه از بی چیزی و نداریم

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ

پروردگارا، پروردگارا پروردگارا از تو می خواهم به حق خودت و به ذات مقدست و به بزرگترین صفات

وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَذْكُرَكَ مَعْمُورَةً

و اسمائت که اوقاتم را در شب و روز به یاد خود معمور و آباد گردانی

وَيَخْدَمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي

و به خدمت پیوسته داری و اعمالم را مقبول درگاہت گردانی تا اعمال

وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا

و گفتارم همه يك جهت برای تو باشد و حالم همیشه در خدمت تو مصروف گردد ای آقای من ای

مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

کسی که تکیه گاهم او است ای کسی که شکایت احوال خویش به درگاه او برم پروردگارا پروردگارا پروردگارا

قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي

نیرو ده بر انجام خدمت اعضای مرا و دلم را برای عزیمت به سویت محکم گردان و به من

الْحِدَى فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ

کوشش در ترس و خشیتت و مداومت در پیوستن به خدمت عطا فرما تا تن و جان را

فِي مَيَادِينِ السَّائِقِينَ وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَأَشْتَأِقَ إِلَى

در میدانهای پشیمانان بسویت برانم و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم و در صف مشتاقان اشتیاق

قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأِقِينَ وَأَدْنُو مِنِّي دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافُكَ مَخَافَةً

تقریب را جویم و چون نزدیک شدن مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کنندگان از تو بترسم

الْمُؤَقِنِينَ وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي

و در جوار رحمتت با مؤمنان در یکجا گرد آیم خدایا هر که بد مرا خواهد

يَسُوؤُ فَارِدُهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكَيْدُهُ وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا

بدش را بخواه و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن و نصیبم را پیش خود بهتر از دیگر بندگان قرار ده

عِنْدَكَ وَأَقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنِّي وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ

و منزلتم را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه ام را در پیشگاهت مخصوص تر از دیگران گردان که براستی

إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَأَحْفَظْنِي

جز به فضل تو کسی به این مقام نرسد و به جود و بخشش خود به من جود کن و به مجد و بزرگواری خود بر من توجه فرما

بِرَحْمَتِكَ وَأَجْعَلْ لِسَانِي يَذْكُرُكَ لَهْجًا وَقَلْبِي يُحِبُّكَ مُتِمًّا وَمُنَّ

و به رحمت خود مرا نگهدار و قرار ده زبانم را به ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی قرار و شیدا و با اجابت

عَلَىٰ يَحْسُنْ إِجَابَتِكَ وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَغْفِرْ زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ

نیکت بر من منت بنه و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را ببامرز زیرا که تو خود بندگان را

عَلَىٰ عِبَادِكَ يَعْبادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ يَدْعَاؤِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

به پرستش خویش فرمان دادی و به دعا کردن به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی

فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي فَيَعِزَّتِكَ

پس ای پروردگار من به سوی تو روی خود بداشتم و به درگاه تو ای پروردگارم دست حاجت دراز کردم پس به عزتت

اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي

دعایم را مستجاب فرما و به آرزویم برسان و امیدم را از فضل خویش قطع منما

وَأَكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا إِغْفِرْ لِمَنْ لَا

و شر دشمنانم را از جن و انس کفایت فرما ای خدای زودگذر ببامرز کسی را که جز

يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ

دعا چیزی ندارد که براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ای کسی که نامش دوا است و یادش

شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَىٰ إِرْحَمَ مَنْ رَأَسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِيْلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا

شفاء است و طاعتش توانگری است ترحم فرما بر کسی که سرمایه اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است ای

سَائِعِ النَّعْمِ يَا دَافِعِ النَّقَمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ يَا عَالِمًا

تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننده گرفتاریها ای روشنی وحشت زدگان در تاریکیها ای دانای

لَا يُعَلِّمُ صِلَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّىٰ

بی معلم درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده درباره من آنچه را که تو شایسته آنی و درود

اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْأئِمَّةِ الْمَيَامِينَ مِنْ إِلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

خدا بر پیامبر و پیشوایان با برکت از خاندانش و سلام فراوان